پیروز حناچی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مردم، نشانه‌ای از حل مشکلات دریافت نمی‌کنند

- معترضان روی اشتباه طرف مقابل حساب کرده‌اند
- باید به سمتی حرکت کرد که اعتراضات انباشته تر نشود
- اولین قدم کج در مسیر جلوگیری توسعه کشور را احمدی‌نژاد برداشت
- احمدی‌نژاد به قانون می‌گفت ضوابط دست و پاگیر

آرمان ملی - احسان انصاری: امروز در کشورهای توسعه یافته موضوع حکمرانی خوب مورد توجه قرار گرفته و دولت‌ها تلاش می‌کنند با کمترین هزینه بهترین عملکرد را داشته باشند تا میزان رضایت مردم نسبت به مسئولان دولت را بیشتر کنند. سوال مهم در این زمینه این است که جامعه ایران برای حرکت به سمت حکمرانی خوب باید به چه مولفه‌هایی توجه کند؟ آیا در شرایط اجتماعی که امروز در کشور وجود دارد بستر برای حرکت به سمت حکمرانی خوب وجود دارد؟ از سوی دیگر بر اساس اظهارات اغلب جامعه‌شناسان ما فصل‌های تاریخی برای توسعه و اصلاحات داشته‌ایم اما به دلایلی این فرصت‌ها از بین رفته و امروز با انباشتی از مشکلات مواجه هستیم. به همین دلیل با این سوال مواجه‌ایم که برای بازگشت به روند توسعه باید چه سازوکاری را در نظر گرفت؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سوالات و تحلیل شرایط جامعه با دکتر پیروز حناچی، شهردار سابق تهران گفت‌وگو کرده که در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

◀ حکمرانی خوب دارای چه ویژگی‌هایی است؟ جامعه ایران چگونه می‌تواند در شرایطی که با چالش‌هایی مواجه است به سمت حکمرانی خوب حرکت کند؟

یکی از مولفه‌های مهم مدیریت استراتژیک این است که مسأله را چگونه برای خود تعریف کنیم. ما باید به این اتفاق نظر برسیم که مشکل ما چیست و قرار است از چه مسیری حرکت کنیم و منابع محدود خود را با چه اولویتی مصرف نماییم؟ در دهه ۸۰ شمسی یک بار این اتفاق رخ داده و ما با ترسیم سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ در این مسیر حرکت کردیم. زمینه‌سازی برای این کار نیز نتیجه مطالعات مرحوم دکتر حسسین عظیمی و دکتر ستاری‌فر و همکارانشان بود. این کار از مطالعه‌ای آغاز شد که با هدف تدوین استراتژی آینده صنعت خودرو توسط دکتر مشایخی و دکتر مسعود نیلی آغاز شده بود. سوال این بود که ما زمانی ۲۰ هزار خودرو در سال تولید می‌کردیم و در حال حاضر در شرایط کنونی (دهه ۸۰ شمسی) نزدیک به یک میلیون خودرو در سال تولید می‌کنیم. به همین دلیل اگر با این روند ادامه بدهیم بازار داخلی خیلی زود اشباع خواهد شد. هدف اصلی مطالعه در این زمینه بود. به صورت طبیعی هر مطالعه‌ای به موضوعات جنبی نیز می‌پردازد. یکی از موضوعات جنبی که در این مطالعه وجود داشت این بود که عنوان می‌شد همه کشورها نقشه راه و چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ای را برای خود ترسیم کرده‌اند و برنامه‌های ۵ ساله برشی از این برنامه ۲۰ ساله است و کشور ما با آهنگی که داشت و حرکت می‌کرد در مقام مقایسه با کشورهای دیگر وضعیت خوب و قابل قبولی نداشت. جالب است بدانید اکثر کشورها این سند چشم‌انداز را دارند و توسعه آتی خود را بر همین مبنا برنامه‌ریزی کرده‌اند. مالزی، عربستان، ترکیه، اتحادیه اروپا و... این سند را دارند و برای رسیدن به اهداف آن تلاش می‌کنند. با مطالعات و تلاشی که صورت گرفت سند چشم‌انداز برای کشورمان هم تدوین شد و برای اولین بار سندی تهیه شد که همه بر اجرای آن توافق داشتند و این اشتراک نظر عمومی ناشی از گفت‌وگوهای کارشناسی فراوانی بود که برای تدوین آن صورت پذیرفت و برای اولین بار برنامه چهارم که برش اولیه پنج ساله آن بود تدوین و در مجلس تصویب شد. با این وجود هنگامی که آقای احمدی‌نژاد به ریاست‌جمهوری رسید این سند چشم‌انداز و برنامه چهارم را اینتدا آمریکایی و پس از مدتی خیالی خواند و عنوان کرد این سند، قابلیت اجرایی ندارد و اهدافش تحقق‌نایذیر است. وی برنامه‌ای هم به جای این سند ارائه نکرد که قرار است دولت وی در مسیر آن حرکت کند. به همین دلیل اولین قدم کج در این مسیر برداشته شد.

◀ این قدم کج چه پیامدهایی داشت؟

دولت‌های هفتم و هشتم حرکت در مسیر سند چشم‌انداز برای رسیدن به توسعه را قبول داشتند و برنامه آن را تدوین کرد. برنامه سوم توسعه، مترقی و پیشرفته و متفاوت بود به‌همین دلیل منشاء اثر بود. به خصوص در زمینه‌های فرهنگی برنامه‌های مترقی وجود داشت. این مسیر درست برای رسیدن به توسعه بود و ما باید در این مسیر حرکت می‌کردیم. با این وجود دولت احمدی‌نژاد در این مسیر حرکت نکرد. حاکمیت نیز رویکرد دولت احمدی‌نژاد را نسبت به دولت قبل ترجیح داد و به همین دلیل از تصمیماتی که احمدی‌نژاد می‌گرفت حمایت می‌کرد. شرایط به شکلی بود که احمدی‌نژاد تا پایان دولت اول خود برنامه‌ای را جایگزین برنامه چهارم نکرد. وی برنامه چهارم را هم اجرا نمی‌کرد و سازمان برنامه و بودجه که متولی پیگیری این موضوع بود را منحل کرده بود. در چنین شرایطی فضای کشور تغییر کرد. نگاه برنامه‌ای در دولت وقت وجود نداشت و بسیاری از ردیف‌های بودجه حذف شده بود. وزارتخانه‌ها تشخیص می‌دادند چه چیزی باید در اولویت قرار بگیرد و سند چشم‌انداز و برنامه چهارم به محاق رفته بود. به صورت طبیعی در چنین شرایطی نمی‌توان به هدف توسعه دست پیدا کرد. نکته جالب این بود که زمانی که قانون برنامه پنجم تدوین شد این شرط به کارشناسان ابلاغ شده بود که هیچ کدام از بندهای برنامه سوم و چهارم (که متضمن اجرای سند چشم‌انداز بود) در آن نباشد. نکته دیگر اینکه اگر قرار بود اتفاق بزرگی در مدیریت کشور رخ می‌داد باید سازوکارهای مناسب برای آن در نظر گرفته می‌شد. نمی‌توان برای انجام یک کار بزرگ از نیروهای انسانی ناکارآمد استفاده کرد. این در حالی بود که در دولت احمدی‌نژاد کیفیت بدنه اجرایی دولت افت کرد ضمن اینکه تا پیش از آن منشأ بسیاری از اهدافی که ترسیم شده بود دانشگاه‌ها بودند. در حالی که در دولت احمدی‌نژاد ارتباط دولت و دانشگاه قطع شده بود. اینکه دولت در سفرهای استانی خود بیش از ۲۰۰ سند تصویب می‌کرد چیزی شبیه شوخی بود. در چنین شرایطی یا درباره این سندها بحث نشده یا بحث‌های کارشناسی پشت آن نبود. مدیریت کلان دارای یک قواعد و اصول است. به عنوان مثال قرار است در شهر براساس قانون، طرح جامع کار شود و در خرجه، حفاظت صورت بگیرد. در چنین شرایطی اگر دولت تصویب کند که در حریم یک شهر، ساخت و سازی عظیم صورت پذیرد با تناقض مواجه می‌شویم.

> من به‌خاطر دارم یکی از معاونین دولت به ما گفتند دولت قرار است حداقل در زمینه‌های فرهنگی دو وزیر زن انتخاب کند. من گفتم این کار خوبی است و لازم، ولی قبل از آن ببینید چند معاون زن در وزارتخانه‌ها حضور دارند که بتوان از بین آنها وزیر انتخاب کرد؟ این در حالی بود که تقریبا در هیچ وزارتخانه‌ای معاون وزیر از بین بانوان وجود نداشت

◀ این وضعیت در دولت آقای روحانی نیز ادامه پیدا کرد؟

خیر؛ در دولت اول آقای روحانی جلوی بسیاری از این مسائل گرفته شد و تلاش شد تبعات اینگونه تصمیمات غلط، به حداقل برسد. حکمرانی خوب به این معناست که تصمیم غلط گرفته نشود و زمانی که متوجه می‌شود برخی تصمیم‌گیری‌های کلان اشتباه است یا کشور را به اهداف چیشم‌انداز نمی‌رساند، از ادامه آن جلوگیری کند و آن را به مسیر صحیح هدایت کند. آقای احمدی‌نژاد به قانون می‌گفت ضوابط دست و پاگیر. وی درباره دیدگاه کارشناسی بر این باور بود که وزارتخانه رفتنه به دیدار شهردار وقت تهران و در همه زمینه‌ها، ما خودمان نخبه هستیم و قدرت تشخیص داریم. این نوع نگاه زمانی که ایشان در شهرداری بودند نیز وجود داشت و به صورت طبیعی کشور را نیز با همین نگاه مدیریت می‌کردند. من هفته اولی که رفتم و عنوان کردم اگر مسیر و راهی که در پیش گرفته‌اید را تغییر ندهید دچار مشکل خواهید شد. من به ایشان گفتم دیگر به کمیسیون ماده ۵ به شما چک سفید امضا می‌دهد و نه در شورای عالی شهرسازی از روش شما حمایت می‌کند. به همین دلیل اگر خلاف ضوابط و قانون عمل کنید ما جلوی شما خواهیم ایستاد. به‌طور کلی اگر دولت دارای برنامه بوده و هدف‌گذاری روشن (چشم انداز) داشته باشد در مسیر صحیحی حرکت خواهد کرد. هر چند من معتقدم رویکردی که دولت دوم آقای روحانی داشت مانند دولت اول نبود.

◀ چرا این رویکرد تغییر کرد؟

به هر حال شرایط کشور سخت‌تر شده بود. در دولت اول آقای روحانی، کشور با این شدت از تحریم‌ها مواجه نبود و از سال ۹۷ به بعد، کشور وارد فاز جدیدی از تحریم‌ها شد. این زمان مشابه سال‌های ۶۶ و ۶۷ بود. در این سال‌ها ما نمی‌توانستیم نفت صادر کنیم. در دولت دوم روحانی شرایط بین‌المللی تغییر کرده بود و از سوی دیگر به نظر می‌رسید انگیزه‌ها نیز دیگر مانند گذشته نبود. در این مقطع زمانی برخی از نیروهای کیفی و تأثیرگذار دولت، به دلایل مختلف از دولت رفته بودند. نمونه بارز آنها آقای آخوندی و حجتی و مجید انصاری بود. این افراد از چهره‌های تأثیرگذار دولت بودند. من به‌خاطر دارم آقای حجتی در هر جلسه دولت به عنوان اولین نفر صحبت می‌کرد و بسیاری از بحران‌های آتی و قابل تشخیص کشور که قرار بود در آینده رخ بدهد را مطرح می‌کرد. به عنوان مثال اعلام عنوان می‌کردند آفت ملخ از عربستان به سمت ایران در حال حرکت است و چند هفته دیگر به بندرعباس می‌رسد به همین دلیل ما از الان باید به فکر باشیم؛ در نتیجه فضای همکاری دستگاه‌های مختلف و دولت، قبل از وقوع بحران فراهم می‌شد. هنگامی که این افراد از دولت خارج شدند فقدان آنها در روند تصمیم‌گیری‌های دولت تأثیرگذار بود. به عنوان مثال دولت روحانی براساس خواست عموم جامعه و قول‌های انتخاباتی دور دوم ریاست‌جمهوری، تأکید داشت که حتما دو وزیر از بانوان در وزارتخانه‌های فرهنگی حضور داشته باشند. با این وجود بنا به دلایلی، این اجازه به ایشان داده نشد. من به‌خاطر دارم یکی از معاونین دولت به ما گفتند دولت قرار است حداقل در زمینه‌های فرهنگی دو وزیر زن انتخاب کند. من گفتم این کار خوبی است و لازم، ولی قبل از آن ببینید چند معاون زن در وزارتخانه‌ها حضور دارند که بتوان از بین آنها وزیر انتخاب کرد؟ این در حالی بود که تقریبا در هیچ وزارتخانه‌ای معاون وزیر از بین بانوان وجود نداشت و اگر هم وجود داشت در رده‌های پایین‌تر قرار داشتند که از تجربه مدیریت کلان برخوردار نبودند. به همین دلیل دولت این تصمیم را گرفت که در هر وزارتخانه‌ای یک یا چند معاون وزیر زن وجود داشته باشد. من معتقدم کیفیت دولت دوم آقای روحانی می‌توانست بهتر از آن چیزی باشد که در عمل مشاهده کردیم که این اتفاق رخ نداد.

> در حالی که در دولت احمدی‌نژاد ارتباط دولت و دانشگاه قطع شده بود. اینکه دولت در سفرهای استانی خود بیش از ۲۰۰ سند تصویب می‌کرد چیزی شبیه شوخی بود. در چنین شرایطی یا درباره این سندها بحث نشده و یا بحث‌های کارشناسی پشت آن نبود

◀ این اتفاق به دلیل ضعف مدیریتی بود؟

خیر؛ بهیتر به عدم وجود عزم سیاسی بازمی‌گشت. برخی در دولت حضور داشتند که اصرار می‌کردند افرادی با یک نوع طرز فکر و نگرش در دولت حضور نداشته باشند. وجه مشترک کسانی که در دولت روحانی حذف شدند و یا کنار رفتند این بود که به اصلاح‌طلبان نزدیک‌تر بودند.

◀ آیا دولت سیزدهم تلاشی برای حکمرانی خوب از خود نشان می‌دهد؟

واقعیت این است که دولت سیزدهم ادامه دولت احمدی‌نژاد است. این موضوع به خوبی از مدیران مشترکی که در دو دولت حضور دارند قابل تشخیص است. اتفاقی که در شرایط کنونی رخ داده این است که دولت به دست نواصولگرایان افتاده است. البته این دولت نسبت به دولت احمدی‌نژاد وضعیت بهتری دارد به دلیل اینکه مدیرانی که در دولت احمدی‌نژاد تجربه نداشتند در شرایط کنونی صاحب تجربه بیشتری شده‌اند.

◀ آیا اعتراضات اخیر به دلیل بی توجهی به حکمرانی خوب توسط دولت‌ها بوده که روی هم انباشته شده است؟

اگر مردم احساس کنند دولت از بهترین افراد برای مدیریت کشور و حل مشکلات مردم استفاده کرده به دولت اعتماد کرده و از آن حمایت می‌کنند. هنگامی که برای امور تخصصی، افراد بی‌ربط انتخاب شوند نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. اگر قرار است بهترین نتیجه حاصل شود باید بهترین نیروهای ممکن به کار گرفته شود. من یکی از زمینه‌های اصلی اعتراضات اخیر در کشور را اقتصادی می‌دانم. دخل و خرج مردم با هم نمی‌خواند و تورم افسارگسیخته و کاهش ارزش پول ملی در بین اقشار مختلف مردم نارضایتی ایجاد کرده است. این وضعیت به خصوص درباره کسانی که درآمد ثابت دارند یا بازنشسته هستند وضعیت حادتری دارد. نکته مهم در این زمینه این است که مردم یالسی از اینکه قرار است مشکلات بنیادین به صورت ریشه‌ای حل شود دریافت نمی‌کنند. مردم باهوش هستند و به خوبی وضعیت کشور را درک می‌کنند. وضعیت بازار نیز به همین صورت است و به خوبی پیام‌ها را دریافت می‌کند. مردم به این نتیجه رسیده‌اند در کوتاه مدت و میان مدت این احتمال که مشکلات در حل شود وجود ندارد. با توجه به شرایط موجود، این احتمال وجود دارد که نارضایتی‌ها انباشته‌تر هم بشود. از این هوشمندی وجود داشته باشد که قرار است مشکلات بنیادین به اقدامات مناسب با بازخوردهای جامعه صورت گیرد. شرایط متفاوت خواهد بود. به نظر می‌رسد اپوزیسیون خارج نشین روی اشتباه طرف مقابل حساب کرده‌اند. اگر گروهی از ایشان که از سوی قدرت‌های خارجی هم حمایت می‌شوند چنین استنباط کنند که طرف مقابل تحلیل دقیق و صحیحی از شرایط ندارد و نمی‌تواند به موقع عمل کند شرایط سخت‌تر خواهد شد. متأسفانه در این زمینه برخی اشتباهات نیز صورت گرفته است.

◀ باید به سمتی حرکت کرد که اعتراضات انباشته تر نشود

◀ احمدی‌نژاد به قانون می‌گفت ضوابط دست و پاگیر

◀ اولین قدم کج در مسیر جلوگیری توسعه کشور را احمدی‌نژاد برداشت

◀ معترضان روی اشتباه طرف مقابل حساب کرده‌اند

حسین کنعانی‌مقدم در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

بدون اصلاحات قانونی، حکمرانی نو مطلوبیتی ندارد

◀ باید به دنبال تحول باشیم نه تغییر

آرمان ملی: محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرده است که باید به سمت حکمرانی مطلوب پیش رفت. او در جایی دیگر اعلام کرده برای به اصلاح قانون اساسی نیست و اگر از ظرفیت‌های قانون اساسی استفاده شود، بسیاری از چالش‌های کشور رفع خواهد شد. فارغ از آنچه رئیس مجلس اعلام کرده و برخی موضع‌گیری‌های مثبتی که از سوی برخی نمایندگان یا روسای سابق قوا صورت گرفته است، حکمرانی مطلوب، نو و خوب؛ امروز در دنیا هوادارانی دارد. نظریه‌پردازانی که در این ارتباط قلم زده‌اند اعتقاد دارند حکمرانی مطلوب در پسادموکراسی تحقق خواهد یافت و در شرایطی که یک جامعه دارای پایه‌های دموکراسی است، باید به سمت نوعی از حکمرانی جدید و نو به عبارت بهتر حکمرانی نو حرکت کرد. به نظر می‌رسد در جامعه ایران نیز برای زندگی بهتر در کنار امنیت و آرامش خواستار همین نوع حکمرانی است که محمدباقر قالیباف وعده‌هایی در مورد آن داده است. «آرمان ملی» در این ارتباط با حسین کنعانی‌مقدم، دبیرکل حزب سبز به گفت‌وگو پرداخته است.

◀ آقای قالیباف، رئیس مجلس اخیرا بحث حکمرانی نو را مطرح کرده است. این بحث و طرح آن را سوی ریاست مجلس تا چه میزان می‌تواند نشان از تغییر در شیوه حکمرانی تحلیل شود؟

بحث حکمرانی و حکمران خوب، سال‌هاست در قاموس سیاسی جهان مطرح شده و موضوع جدیدی نیست. مساله اینجاست که حکمرانی مطلوب چه نوع حکمرانی است؟ ممکن است حاکمان افراد خوبی از دیدگاه افرادی که آنها را انتخاب و گزینش می‌کنند، باشند اما آیا افراد خوب همواره توانسته‌اند حکمرانی خوب را که نشانه کارآمدی است را در معرض افکار عمومی قرار دهند؟ اگر افراد خوب نتوانند حکمرانی خوبی انجام دهند و کارآمد نباشند، به نظر باید صندلی خود را به افرادی منتقل کنند که حکمرانی خوب را به عنوان یک روش کارآمد، بلد هستند. آقای قالیباف با عنوان حکمرانی کردن مطلوب حکمرانی گذشته را زیر سوال برده است. یعنی ما تا حالا حکمرانی خوب نداشتیم که وی قصد دارد حکمرانی را مطلوب و نو کند؟ به نظر می‌رسد اول باید پاسخ به این سوال را برای توجیه افکار عمومی بدهند و اعلام کنند که این حالا وجود داشته و من قصد دارم این خلأ را برطرف کنم. اگر بدون تغییر در زیرساخت‌ها خصوصا در بحث قوانین و اصلاح آن گامی برداشته شود، بحث حکمرانی خوب و مطلوب و نو دقیق نیست. باید بررسی صورت گیرد که آیا علت به وجود آمدن شرایط فعلی قوانین و مقررات بوده یا افرادی که مجری قانون اساسی بودند و به آن عمل نکردند. این مورد نیز باید در افکار عمومی مورد نقد و بررسی قرار گیرد. به نظر می‌رسد سخنان آقای قالیباف مانند سخنان قبل از انتخابات می‌ماند که جنبه تبلیغاتی دارد. به عبارت بهتر بدون اصلاحات قانونی، حکمرانی نو مطلوبیتی ندارد.

> دولت اگر به دنبال تحول است باید از خود شروع و کاری کند که کارآمدی دولت افزایش یابد و مشکلات کشور را حل کند و گرنه با تغییر این وزیر و این استاندار و حتی قانون؛ مشکل سرجایش باقی است و تنها صورت مساله پاک شده است

◀ اگر قرار است اصلاحاتی صورت گیرد باید همان طور که مسئولین اعلام کردند در ابتدا دید مردم چه می‌خواهند که اصلاحاتی صورت گیرد و اصلاح را عقب‌نشینی ندانست. آیا شرایط به گونه‌ای است که بشود شیوه‌های حکمرانی را به سمت ترمیم شکاف بین مردم و دولت، تغییر داد؟

حکمرانی مطلوب و مردمی که دولت سیزدهم بر همین اساس و بر مبنای همان شعارها به پیروزی رسید دارای شاخصه‌هایی است که این شاخصه‌ها کاملا مشخص و معین است. از جمله اینکه دولت مردمی با مردم است و همراه مردم است و برای مردم فعالیت می‌کند و مطالبات مردم را پیگیری می‌کنند. برای آنکه مردم سالاری با آن شکلی که در جمهوری اسلامی و قانون اساسی داریم محقق شود؛ اساس و پایه را باید بر رای و نظر مردم استوار کرد. دموکراسی‌ها در همه جای دنیا مدعی حکومت مردم بر مردم هستند اما مشاهده می‌کنیم در خیلی از کشورها با همین ابزار عملا مردم را از صحنه کنار می‌گذارند. شاخصه‌های یک دولت مردمی و یک حکمرانی که مبتنی بر مردم و جمهور است را باید تعریف کرد و مردم هم بپذیرند که این شکل از حکومت یعنی حکومت مردم بر مردم باید اجرا شود.

> مردم هنوز هم از صندوق انتخابات توقع بهبود و اصلاح امور را دارند. اگر این یأس و ناامیدی در مردم ایجاد شود که صندوق آرا نیز دیگر دستاوردی برای آنها محسوب نمی‌شود و در این صورت شرایط مطلوب نخواهد بود همین مورد نامناسبی را حتی در حوزه اقتصادی داشته باشد

◀ چرا همه دولت‌ها همواره در جهت بهبود شرایط و خروج از مشکلات سخن می‌گویند اما هیچ اتفاقی در هیچ کدام از دولت‌های گذشته در این جهت صورت نگرفته است؟

شاخصه‌ای که در بعد از پیروزی انقلاب داشتیم، می‌تواند نشان دهد که آیا شعارهایی که داده می‌شود عملیاتی می‌شود یا نه به هر حال باید در انتظار انتخابات آینده مجلس بود و مشاهده کرد که مشارکت در چه حدی خواهد بود و اگر این مشارکت بالا باشد و مردم قرائت خود را از حکمرانی خطق کرده‌اند اما اگر مشارکت کم شود یعنی شرایط به شیوه دیگری باید تحلیل شود. از این منظر نمی‌توان خط کشی را برداشت و بر اساس آن اعلام کرد که مردم از شرایط کشور راضی هستند یا ناراضی؟ نوع مشارکت مردم در اینجا تعیین کننده است.

◀ در انتخابات ۱۳۹۸ و انتخابات ریاست‌جمهوری هم میزان حضور مردم در پای صندوق‌ها مانند گذشته نبود. این مورد خود نمی‌تواند شاخصه باشد؟

در انتخابات گذشته اگرچه بخشی از مردم در انتخابات شرکت نکردند از این منظر باید گفت در انتخابات‌های گذشته به نوعی رخنه حکمرانی برای مشارکت مردم به صدا درآمد. اینکه ما نتوانستیم آرای حاکستری را پای صندوق رای بیاوریم زنگ خطر برای مسئولین است. اگر دولت بتواند در اجرای وعده‌های خود به خوبی عمل کند، آرای حاکستری می‌تواند افزایش پیدا کند و آرای دولتمردان را نزد مردم و جایگاه آنها را بهبود بخشد. درغیر این صورت عدم تحقق شعارهای دولت می‌تواند زنگ خطری برای مردم‌سالاری تلقی شود.

> باید بررسی صورت گیرد که آیا علت به وجود آمدن شرایط فعلی قوانین و مقررات بوده یا افرادی که مجری قانون اساسی بودند و به آن عمل نکردند. این مورد نیز باید در افکار عمومی مورد نقد و بررسی قرار گیرد

◀ با توجه به شرایط فعلی آیا ممکن است مجددا مشارکت بالایی در انتخابات داشته باشیم؟

اگر مردم امیدی به اصلاح امور داشته باشند و رفع مشکلات را به چشم خود مشاهده کنند آنها در انتخابات مختلف حضور مستمری خواهند داشت. به شرط اینکه وعده آن انتخابات هم اصلاح امور باشد. به طوری که تلاش خواهند کرد مجلس آینده و دولت آینده را با مشارکت حداکثری سر کار آورند اما تجربه نشان داده است مردم هنوز هم از صندوق انتخابات توقع بهبود و اصلاح امور دارند. اگر این یأس و ناامیدی در مردم ایجاد شود که صندوق آرا نیز دیگر دستاوردی برای آنها محسوب نمی‌شود و در این صورت شرایط مطلوب نخواهد بود همین مورد می‌تواند تاثیرات نامناسبی را حتی در حوزه اقتصادی داشته باشند. آکنون مشاهده می‌کنیم که برخی از کشورها در برقراری رابطه اقتصادی با ما دچار شک شده‌اند. دشمن همواره تلاش کرده اراده ملی یک کشور را بشکند تا بتواند به خواسته‌های خود دست یابد.

◀ شاهد بودیم رئیس جمهور وعده‌هایی را برای بهبود شرایط کشور دادند اما در طول یک سال و نیم گذشته اتفاق خاصی در حوزه معیشت و وجود نیامده است. نه در حوزه اینترنت، نه در حوزه ساخت مسکن شاهد تحقق وعده‌های رئیس جمهور نیستیم. عدم تحقق این وعده‌ها خود اعتمادسوز نیست؟

یکی از نقاط ضعف کشور این است که احزاب تعیین‌کننده ساختار قدرت در ایران نیستند. همواره قرار بر این بوده که احزاب دولت‌ساز باشند اما اکنون برعکس شده و دولت‌ها احزاب‌ساز شده‌اند. از این منظر سیاست‌های اعلامی و اعمالی در انتخابات‌های ریاست‌جمهوری کاملا با هم در یک پادادوکس قرار دارند. در این معنا که سیاست‌های اعلامی برای گرفتن رأی است. سیاست‌های اعمالی برای حفظ قدرت است. همیشه این دو سیاست با یکدیگر در تقابل قرار گرفته و خواهد گرفت. من به عنوان یک مهندس عمران از روز اول در رابطه با ساخت مسکن چه در زمان انتخابات دوازده دو دولت آقای رئیسی اعلام کردهام که دولت تنها ۵ درصد در سرمایه‌گذاری مسکن اثرگذار است و ۹۵ درصد بخش خصوصی در ساخت مسکن اثر می‌گذارد اما متأسفانه دولت می‌خواهد سیاست‌گذاری برای آن ۹۵ درصد را در دستور کار خود قرار دهد و آن ۵ درصد کاری را که باید انجام دهد را انجام نمی‌دهد. همین مورد باعث می‌شود بازار حرکت کند. عمدتا بخش بزرگی از اقتصاد کشور را به تحرک درمی‌آورد، به حاشیه رانده می‌شود.

ساخت مسکن در طول سال به میزان یک میلیون عدد کار ساده‌ای است و اکنون تکنولوژی‌هایی وجود دارد که این کار به وسیله آن امکان‌پذیر است اما زیرساخت‌های آن در کشور ما وجود ندارد. این وعده‌ها سیاست‌های اعلامی است و در سیاست‌های اعمالی شاهد آن هستیم که حتی در رابطه با جلوگیری از افزایش قیمت مسکن دولت موفق نبوده است.

◀ نگرش دولت به تغییرات چگونه است؟ رئیس دولت در ابتدا سخن از تجربه و تخصص به میان آورد اما عملا شاهد یک کابینه قدرتمند نبودیم، نوع نگاه دولت به تغییرات احتمالی در کابینه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هر تغییری مطلوب نیست. چون ممکن است برای تغییرات باعث واپسگرایی شود. آنچه برای مردم مهم است تحول در شرایط کشور است. تحول تفاوتی با تغییر دارد. تحول مبتنی بر مسیر رشد و تعالی و رفتن به سمت قله‌های آرمانی است. اکنون نیاز به تحول داریم نه تغییر. برخی در حال حاضر به دنبال آن هستند با حرکت به سمت تغییرات مساله را حل کنند و به عبارتی صورت مساله را پاک کنند و صورت مساله در جای خود باقی خواهد ماند. بحث تحول گرایی و تغییر گرایی علمی نو و شاخصه مهمی در مسائل توسعه است. در تحول گرایی باید پرونده‌های بازی که مانع از رشد و توسعه کشور است بسته شود. ما ۴۰ سال است پرونده‌های بازی داریم که هر موقع قصد داشتیم که سمت حرکت تحول گرایی جلو رویم به پای ما بسته می‌شود و ما را عقب می‌راند به این خاطر اگر دولت واقعا به دنبال تحول است باید از خروج کند و کاری کند که کارآمدی دولت افزایش یابد و مشکلات کشور را حل کند وگرنه با تغییر این وزیر و این استاندار و آن استاندار و حتی قانون؛ مشکل سرجایش باقی است و تنها صورت مساله پاک شده است.

◀ دولت باید چگونه مطلوبیت و کارآمدی خود را نشان دهد تا نوعی آرامش در شرایط فعلی بر اتسفر خشور حکمفرما باشد؟

در همه جای دنیا برای بررسی کارآمدی دولت به شاخصه‌های کارآمدی توجه می‌شود. در بحث اقتصادی طبق برنامه ۵ ساله ششم و همین مسیری که در سیاست‌های کلی نظام مشخص شده دولت باید در ۵ مولفه خود را کارآمد کند. شهردار تهران انتخاب شده بود). بنا بر این ملاحظه می‌شود که شهرداری تهران اگرچه نهادی غیر سیاسی است اما شهردار تهران جایگاه یا شهرت سیاسی دارد و به‌خاطر همین درباره عضویت او در هیات دولت بحث درمی‌گیرد. پیروز حناچی می‌خواست تصویر شهرداری غیر سیاسی را ترسیم کند، اما سیاسی نبودن کمکی به حملات اصول‌گرایان به شهرداری نکرد. در دوره قالیباف هم البته رئیس‌جمهوری وقت کنار او نبود، چراکه احمدی‌نژاد او را رقیب خود می‌دانست. اینکه سه شهردار سابق تهران (توسلی، کرباسچی و قالیباف)، چهره‌های شاخص سیاسی امروز هستند و شهردار فعلی هم به عنوان یک فعال سیاسی شناخته می‌شود که برای ورود به مجلس از قم نامزد شد و از همان نمایندگی قم استفاده کرد تا شهردار تهران شود همه حاکی از آن است که شهرداری تهران عنوانی سیاسی است ولو شهرداری تهران در مقام نهاد سیاسی نباشد و وظایف آن در عرصه‌های خدماتی و اجتماعی و از زمان کرباسچی به این سو فرهنگی نیز تعریف شود.

یادداشت

دولت سیزدهم و چند نکته

محمد کیهانی
فعال سیاسی

دولت سیزدهم حدود یک سال و نیم است که فعالیت خود را آغاز کرده است. برخی نکات مثبت و منفی دولت قابل بیان است. عدم موفقیت دولت در برخی امور از جمله معیشت چند علت دارد یا رئیس جمهور می‌خواست در انتخابات رای آورد به همین دلیل هم شعارهایی در حوزه‌های مختلف مطرح می‌کرد که پیرو آن مطالبات مردم را محقق کند یا اینکه وی نسبت به فضای بین‌الملل و وضعیت برجام واقف نبود وشعارهایی در حوزه معیشت، کاهش تورم و رفع بیکاری و ... مطرح کرد. در حالی که به نظر می‌رسد مسائل کشور یا برجام گره خورده است. به هر روی فاصله عملکرد یکسال و نیمه دولت با شعارهایش زیاد است. اگرچه در انتخابات‌های گذشته هم شعارهایی که توسط روسای جمهور قبل از ورود به پاستور داده می‌شد تا عمل فاصله داشت اما فاصله شعار تا عمل در این دولت محسوس‌تر است. چرا که به نظر او کار را بسیار ساده می‌دیده که تا به امروز نتوانست به برخی از وعده‌هایش عمل کند. البته عدم موفقیت دولت سیزدهم به نوع دیدگاه رئیس دولت نسبت به مدیریت کشور باز می‌گردد. به نظر رئیسی تصورش بر این بود که دولت و به طور کل قوه مجریه به دو قوه دیگر نزدیک است و با توجه به نزدیکی دولت با دو قوه مقننه و قضائیه و همچنین با صدور دستورات و بخشنامه‌ها می‌توان اوضاع کشور را ساماندهی کرد. البته به رغم اینکه دولت تا به امروز عملکرد مطلوبی در زمینه اقتصادی نداشته اما باید باز هم به دولت فرصت داد. زیرا تغییرات چیزی نیست که به همین سادگی حاصل شود. به همین دلیل برای تغییر نباید به دولت فشار آورد. اگر دولت را به عنوان یک تیم فوتبال در نظر بگیریم و رئیس آن را مربی، هیچ مربی به دنبال این نیست که در زمین بازی موفق نشود. مربی‌های بزرگ در تلاشند که در تصمیمات‌شان خود محور نباشند و نظرات منتقدین را بشنوند و نظرات کسانی که به کارشان می‌آید را در نظر بگیرند و کسانی که به کارشان نمی‌آید را کنار بگذارند. به نظر باید به رئیسی وقت داد. او همچنان تصورش بر این است که با این کابینه می‌تواند کار دولت را پیش ببرد. اگرچه امید چندانی نسبت به برخی اعضای دولت نیست اما باز هم برای قضاوت کمی زود است و باید حداقل سه سال از عملکرد دولت بگذرد تا دید دولت چه در چنته دارد.

نگاه

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا مطرح کرد

نگرانی واشنگتن از گسترش همکاری میان ایران و روسیه

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا با تکیه بر ادعاها درخصوص تحویل پهپادهای ساخت ایران به روسیه گفت: ما نسبت به انتقال تکنولوژی پهپادی میان تهران و مسکو بشدت نگران هستیم. ند پرایس در نشست خبری هفتگی خود ادعاهایی مبنی بر انتقال پهپادهای ایران به روسیه برای استفاده در جنگ علیه اوکراین را تکرار کرد و گفت: این نگرانی جدیدی نیست، ما از تابستان آن را اعلام کرده‌ایم. ما همچنین نسبت به اینکه ممکن است روسیه به دنبال دریافت فن‌آوری موشک‌های بالستیک ایران باشد نیز ابراز نگرانی کرده‌ایم. ما نگرانی‌های خود را درخصوص اینکه همکاری ایران و روسیه می‌تواند به حوزه‌های دیگر هم گسترش یابد، ابراز کرده‌ایم. پرایس ادامه داد: ما نگرانیم که همکاری ایران و روسیه ممکن است به اشتراک‌گذاری دانش و مهارت گسترش یابد. تردید دارم این همکاری درباره بهترین عملکرد‌ها باشد. وی مدعی شد: اینها موضوعاتی است که ما نگران آنها هستیم. ما بسیار آشکارا در مورد این همکاری‌ها صحبت کرده‌ایم زیرا معتقدیم که این، نه تنها برای منطقه بلکه باید برای جامعه بین‌الملل نیز نگران‌کننده باشد. به همین دلیل است که ما در یک نشست سازمان ملل در تابستان برای بحث در مورد برنامه پهپادی ایران شرکت کردیم. ما به همکاری با شرکا و متحدان‌مان در سراسر جهان، از جمله استفاده از مقامات خود برای پیگیری این شبکه‌های اشاعه اذعامه خواهیم داد. این مقام آمریکایی همچنین در پاسخ به ادعای ارسال موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد ایران به روسیه اظهار کرد: همان‌طور که همکارم در کاخ سفید گفت، ما در حال حاضر هیچ اطلاعاتی درخصوص عرضه فعل